

اسماعیل نساچی زواره



۱-

## شاعران فارسی بر کرسی تفسیر و حدیث

در مقاله پیشین اشاره شد که وقتی به دوران گذشته و سابقه هزارساله نظم و نثر ادبی کشورمان بنگریم، می‌بینیم که شوق تأدب و تخلّق به آداب قرآنی و اخلاق کریمه نبوی در ادبیات فارسی مشهود است. بنابراین در بهترین آثار ادبی، حکمت‌های پندآمیزی وارد شده و همه‌جا، یا عین آیات قرآنی و احادیث نقل شده و یا مفهوم و ترجمه آنها در پوششی تازه عرضه شده است. مثلاً درباره شاعر حماسه‌سرا ابوالقاسم فردوسی می‌بینیم که با شیواترین زبان و رساترین بیان، برخی از آیات و احادیث را در اشعار خود آورده و ارادت خالصانه خود را به حضرت پیامبر ﷺ و مقام ولایت به گونه‌ای تقدیم نموده است که گویا همه دل‌بستگی‌های او به میهنش از ایمان پاک او نشأت می‌گیرد. حکیم طوس در مقام حماسه‌سرایی و بیان داستان‌های پهلوانی بر کرسی حدیث قرار می‌گیرد و با زبانی خاص مفهوم آن را در قالب نظم می‌آورد. فردوسی

حدیث شریف «أنا مدينة العلم و علیٌّ بابها»<sup>(۱)</sup> را این‌گونه بیان می‌کند:

که من شهر علمم علیم درست      درست این سخن گفت پیغمبرست  
تو گویی دو گوشم به آوای اوست      گواهی دهم کاین سخن رأی اوست<sup>(۲)</sup>  
این اشعار نشانگر ارادت و اعتقاد راسخ شاعر به خاندان نبوت و امامت است که  
پس از گذشت چند قرن این‌گونه حکیمانه و عاشقانه شهادت می‌دهد که این کلام گهربار  
از پیامبر اکرم ﷺ است.

مولانا در هر دفتر مثنوی، حکایت‌هایی را دستمایه بحث‌های تربیتی و ارشادی  
خود مطرح می‌سازد و با بیان داستان‌هایی شیرین و پرمحتوا قرآن را در قالب شعر،  
تمثیل، برهان و عرفان تفسیر می‌کند. و مجموعه اندیشه‌ها، مضامین، عقاید و الهامات  
خود را به آیات قرآن مرتبط می‌سازد همچون:

گرچه قرآن از لب پیغمبر است      هر که گوید: «حق نگفت» او کافر است<sup>(۳)</sup>  
مولوی معتقد است که قرآن کریم کامل‌ترین سخن حق بر زبان بنده است که از  
سوی خداوند بر پیامبر ﷺ نازل شده است و ساخته ذهن بشر نیست و بیت یاد شده،  
اشاره دارد به آیات «اللّه نزل أحسن الحدیث...»<sup>(۴)</sup> «خداوند بهترین و نیکوترین سخن را  
نازل کرد...». و آیه «...بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَا آتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ...»<sup>(۵)</sup>  
«اما این سخن حقی است از سوی پروردگارت تا گروهی را انذار کنی که پیش از تو هیچ انذار  
کننده‌ای برای آنان نیامده است...».

به نمونه‌های دیگر اشعار مولوی که الهام‌گرفته از آیات قرآن و احادیث معصومین

۱- آثار الصادقین، آیت‌الله احسان‌بخش، ج ۲۰، ص ۳۵۲.

۲. شامنامه فردوسی، آغاز شامنامه، بیت ۱۰۱ و ۱۰۲.

۳. مثنوی، به تصحیح قوام‌الدین خرمشاهی، دفتر چهارم، بیت ۲۱۲۲.

۴. سوره زمر، آیه ۲۳. ۵. سجده، ۳.

است، به طور مجمل و مختصر اشاره می‌شود:

گفت پیغمبر که هر که سر نهفت زود گردد با مراد خویش جفت<sup>(۱)</sup>  
این بیت اشاره دارد به حدیث نبوی «استعیثوا علی قضاء الحوائج بالکتمان فان  
کل ذی نعمه محسود»<sup>(۲)</sup> «نیازها و حاجت‌های نیازمندان را در پنهانی برطرف کنید، زیرا هر  
صاحب نعمتی مورد حسادت قرار می‌گیرد».

نیکوان را، هست میراث از خوشاب آن چه میراث است اورثنا الکتاب<sup>(۳)</sup>  
اشاره به آیه «ثم اورثنا الكتاب الذین اصطفینا من عبادنا»<sup>(۴)</sup>. «سپس بندگان  
برگزیده خود را وارث علم قرآن قرار دادیم».

گوش من لا یلدغ المؤمن شنید قول پیغمبر به جان و دل گزید<sup>(۵)</sup>  
اشاره به حدیث شریف نبوی «لا یلدغ المؤمن من حجر مرتین»<sup>(۶)</sup> «مومن از یک  
سوراخ دوبار گزیده نمی‌شود».

عاشق رنج است نادان تا ابد خیز و لا أقسم بخوان تا فی کبد<sup>(۷)</sup>  
این بیت به ۴ آیه اول سوره بلد اشاره دارد:

استاد سخن، سعدی شیرازی، شاعر گرانمایه و دلبسته به اخلاق نبوی و معتمد  
در عبرت‌پذیری از آیات الهی، آنچه را از قرآن و حدیث آموخته، در آثار خود به  
صورت «استشهاد»، «اقتباس»، «اشاره» و «تلمیح» آورده است. گواه بر این مدعا است  
که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱. مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۷۶.

۲. نهج الفصاحة، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ص ۵۵، حدیث ۲۸۲.

۳. سوره فاطر، ۳۲.

۴. مثنوی، دفتر اول، بیت ۷۴۷.

۵. نهج الفصاحة، ص ۵۳۰، ص ۲۵۵۲.

۶. مثنوی، دفتر اول، بیت ۹۰۷.

۷. مثنوی، همان، بیت ۱۷۰۹.

شواهدی از گلستان:

بنی آدم اعضای یکدیگرند      که در آفرینش ز یک گوهرند  
 چو عضوی به درد آورد روزگار      دگر عضوها را نماند قرار  
 تو کز محنت دیگران بی غمی      نشاید که نامت نهند آدمی<sup>(۱)</sup>

این سه بیت شعر سعدی به یک آیه قرآن و دو حدیث نبوی اشاره دارد: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکرٍ و أنثی»<sup>(۲)</sup> «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت ملت‌ها و طایفه‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست».

اولین حدیث: «من أصبح و لا یهتمُّ بأُمور المسلمین فلیس بمُسلم»<sup>(۳)</sup> «هرکس صبح کند و در اندیشه کارهای مسلمانان نباشد، مسلمان نیست».

دومین حدیث: «مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم و تعاطفهم مثل الجسد إذا اشتكى منه عضوٌ تداعى له سائرُ الجسدِ بالسَّهرِ و الحُمى»<sup>(۴)</sup> «مثل مؤمنان در دوستی و مهرورزی‌شان نسبت به یکدیگر همانند یک پیکر است که هنگامی که عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا در بی‌خوابی و تب، با آن هم‌ناله می‌شوند».

شیخ اجل در دیباچه گلستان می‌گوید: «مَنّت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت»<sup>(۵)</sup>. که این کلام اشاره به این آیه شریفه دارد: «لئن شکرتم لأزیدنکم و لئن کفرتکم انّ عذابی لشدید»<sup>(۶)</sup> «اگر شکرگزار

۱. گلستان، به تصحیح جمشید غلامی‌نژاد، باب اول، حکایت دهم، ص ۳۳.

۲. سوره حجرات، ۱۳.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۴. نهج الفصاحه، ص ۵۶۱، حدیث ۲۷۱۲.

۵. گلستان، همان، دیباچه، ص ۱.

۶. سوره ابراهیم، ۷.

نعمتهای من باشید، بر عطاهایم می‌افزایم و اگر ناسپاس باشید، عذاب من سخت خواهد بود. هم‌چنین در باب هفتم گلستان می‌گوید: «سال نزاعی در پیادگان حجاج افتاده بود و داعی در آن سفر هم پیاده. انصاف در سر و روی هم فتادیم و داد فسوق و جدال بدادیم»<sup>(۱)</sup>... که عبارت «داد فسوق و جدال» به آیه «... و لا جدال و لا فسوق فی الحج»<sup>(۲)</sup> «هیچ نافرمانی و هیچ درگیری در حج جایز نیست»، اشاره دارد.

باز در باب هشتم می‌گوید: «سرمار به دست دشمن بکوب که از احدی الحُسَینِ خالی نباشد اگر این غالب آمد، مار کشتی و گر آن از دشمن رستی»<sup>(۳)</sup> این مطلب به آیه «قُلْ هَلْ تَرْتَضُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَینِینَ...»<sup>(۴)</sup> «بگو آیا در مورد ما جز یکی از این دویکی (پیروزی یا شهادت) را انتظار دارید؟...» اشاره دارد.

شواهدی از بوستان:

به نام خداوند جان آفرین حکیم سخن در زبان آفرین<sup>(۵)</sup>  
این بیت یادآور آیات اولیه سوره «الرحمان» است «خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»<sup>(۶)</sup>  
«انسان را آفرید و به او قدرت بیان و تکلم را یاد داد».

یکی را به سر بر نهد تاج و تخت یکی را به خاک اندر آرد ز تخت<sup>(۷)</sup>  
بیت مزبور تفسیر این آیه شریفه است: «... تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ...»<sup>(۸)</sup> «حکومت و فرمانروایی را به هرکس بخواهد می‌دهد و از هرکس بخواهد می‌گیرد».

۱. گلستان، باب هفتم، حکایت دوازدهم، ص ۲۱۸. ۲. سوره بقره، آیه ۱۹۲.
۳. گلستان، باب هشتم، ص ۲۴۸. ۴. سوره توبه، ۵۲.
۵. بوستان، دیباچه، بیت اول. ۶. سوره الرحمان، آیه ۲۶.
۷. کلیات سعدی (بوستان)، عباس اقبال آشتیانی، دیباچه، ص ۲۹۸.
۸. سوره آل عمران، آیه ۲۶.

گلستان کند آتشی بر خلیل گروهی بر آتش برد ز آب نیل<sup>(۱)</sup>  
 مصرع اول این بیت به آیه «قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرَاهِيْمَ»<sup>(۲)</sup>: «گفتیم  
 ای آتش برای ابراهیم سرد و بی آسیب باش». و مصرع دوم به آیه «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ  
 فِى الْيَمِّ»<sup>(۳)</sup> «از آنان انتقام گرفتیم و آنان را در دریا غرق کردیم».

بر او علم یک ذره پوشیده نیست که پیدا و پنهان به نزدش یکیست<sup>(۴)</sup>  
 اشاره به آیه شریفه «أَنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى»<sup>(۵)</sup> «او آشکار و آنچه را که نهان  
 است، می داند».

حافظ شیرازی شاعری است فرزانه و عالم به علوم اسلامی و مطلع از دقائق  
 حکمت و حقایق زمان و بالاتر از همه اینها، استعداد خارق العاده اش به او مجال حفظ  
 قرآن و تدبیر در آیات قرآن را داد. او تمام این مواهب ربانی را با ذوق لطیف و کلام دلپذیر  
 استادانه خود در آمیخت و شاهکارهای بی بدیل خود را به صورت غزل های عالی به  
 نمایش گذاشت که مستقیماً برخاسته و متأثر از فرهنگ اسلامی به ویژه آیات قرآن و  
 احادیث نبوی است که به راه های مختلف اقتباس نموده است:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال به نام من دیوانه زدند<sup>(۶)</sup>  
 این بیت ترجمه ای است شاعرانه و آزاد از آیه «أَنَا عَرْضَاءُ الْأَمَانَةِ عَلٰى  
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبِينَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ  
 ظَلُومًا جَهُولًا»<sup>(۷)</sup>

«ما امانت را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمودیم. پس آنها از پذیرفتن این بار

۱. کلیات سعدی، ص ۲۹۹.

۲. سوره انبیا، آیه ۶۹.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۳۶.

۴. کلیات سعدی، (بوستان)، ص ۲۹۹ (دیباچه).

۵. سوره اعلیٰ، ۷.

۶. دیوان حافظ، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، غزل ۱۸۴، ص ۲۴۸.

۷. سوره احزاب، ۷۲.

امتناع نمودند و بیمناک شدند و انسان آن را برداشت. با این حال، او ستمگری نادان است.

تَا نَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي شَنِيدِم، شد یقین

بر من این معنا که مازان وی و او زان ماست<sup>(۱)</sup>

حافظ در این بیت به آیه «فَإِذَا يَسُؤُنَّهُ وَنَفَحْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَمُوا لَهُ

ساجدین»<sup>(۲)</sup> «زمانی که حضرت آدم را به طور کامل آفریدم و از روح خویش در او دمیدم پس شما ای ملائکه! برایش سجده کنید».

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد

که چند سال به جان، خدمت شعیب کند<sup>(۳)</sup>

این بیت اقتباس از آیات ۲۷ - ۳۰ سوره قصص است که به گوشه‌ای از زندگی

حضرت موسی عليه السلام اشاره دارد:

شاه را به بود از طاعت صد ساله و زهد

قدر یک ساعت عمری که در او داد کند<sup>(۴)</sup>

اشاره به حدیث نبوی: «عَدَلُ سَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ (سبعین) سَنَةً»<sup>(۵)</sup> یک

ساعت دادگستری از شصت (یا هفتاد) سال عبادت بهتر است». و صدها نمونه دیگر که در

این مقال مجال گفتن همه آنها نیست و به قول معروف شاعر:

باش تا صبح دولتش بدمد      کاین هنوز از نتایج سحر است

۱. شعر و شاعری در ایران اسلامی، معظمه اقبالی، ص ۴۶.

۲. سوره حجر، ۲۹.

۳. دیوان حافظ، غزل ۱۸۸، ص ۲۵۳.

۴. همان، غزل ۱۹۰، ص ۲۵۶.

۵. آثار الصادقین، ج ۱۲، ص ۴۴۷.